مراد از" قوم" كه خداوند وعده آمدن آنان را داده است، اشخاص نيستند

و اينكه سياق كلام بيان پيروز شدن دين به وسيله اين قوم در مبارزه با كسانى است كه پيروزى را در گروه‏گرايى مى‏بينند و به همين اميد با دشمنان دين دوستى مى‏كنند و نيز تعبير از آن مردم به كلمه" قوم" و آوردن آن اوصاف و افعال را با صيغه جمع، همه و همه اشعار به اين معنا دارد كه آن قومى كه خدا وعده آوردنش را داده، مردمى هستند كه دسته جمعى مى‏آيند نه تك تك و دو تا دو تا، و منظور اين نيست كه خداى تعالى در هر زمانى و قرنى شخصى را به يارى دين مى‏گمارد كه او را دوست دارد و او خدا را دوست دارد! شخصى كه در برابر مؤمنين خاضع و در برابر كفار قدرتمند و شكست ناپذير است و در راه خدا جهاد مى‏كند و از سرزنش هيچ ملامت‏گرى نمى‏هراسد!!. مطلب ديگر اينكه آمدن چنين مردم را با اينكه خودشان مى‏آيند اگر به خود خداى تعالى نسبت داده و فرموده، خدا آنان را مى‏آورد، به معناى آن نيست كه خدا آنان را خلق مى‏كند زيرا آنان تنها نيستند كه خالقشان خدا است، بلكه كل جهان را خدا خلق كرده، هم چنان كه فرمود:" اللَّهُ خالِقُ كُلِّ شَيْ‏ءٍ"[[1]](#footnote-1)، بلكه به اين معنا است كه خداى تعالى است كه آنان را برمى‏انگيزد تا در هر فرصتى كه به دست آورند دين را يارى كنند و او است كه ايشان را به چنين افتخارى مفتخر كرده، كه دوستشان بدارد و ايشان نيز او را دوست بدارند و او است كه به ايشان توفيق داده تا در برابر دوستان خدا خوار و عليه دشمنانش قدرتمند و شكست ناپذير باشند و در راه او جهاد كنند و از ملامت هر ملامت‏گرى روى برتابند، پس اگر آنان دين را يارى مى‏كنند در حقيقت خدا است كه دين خود را به وسيله آنان و از طريق ايشان يارى مى‏كند، در اينجا ممكن است كسى توهم كند كه جا داشته فردى از مسلمانان صدر اسلام پيش خود بگويد: پس كجايند آن مردم و چرا نيامدند دين را يارى كنند، جوابش اين است كه زمان براى خداى تعالى دير و زود ندارد، ديرش و زودش براى او يكى است، اين مائيم كه به خاطر قصور فكرمان بين آن دو، فرق مى‏گذاريم.

و اما اينكه فرمود:" يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ"، از آن جهت كه حب را مطلق آورد معلوم مى‏شود حب خدا مربوط به ذات آن قوم و متعلق به ذات ايشان است بدون اينكه مقيد به وصفى و يا چيز ديگرى باشد و اما دوست داشتن آنان خدا را، لازمه‏اش آن است كه پروردگارشان را بر هر چيز ديگرى غير خدا كه مربوط به خودشان باشد از قبيل مال و جاه و يا خويشاوند يا غير آن مقدم بدارند، بنا بر اين قومى كه وعده آمدنشان داده شده، احدى از دشمنان خداى سبحان را دوست نمى‏دارند و اگر قرار باشد فردى از افراد انسان را دوست بدارند اولياى خدا را به ملاك دوستى با خدا دوست مى‏دارند.[[2]](#footnote-2)

1. خالق هر چيزى خدا است." سوره زمر، آيه 62". [↑](#footnote-ref-1)
2. طباطبايى، محمدحسين، ترجمه تفسير الميزان، 20جلد، جامعه مدرسين حوزه علميه قم، دفتر انتشارات اسلامى - ايران - قم، چاپ: 5، 1374 ه.ش، **ج‏5    630**. [↑](#footnote-ref-2)